



چه ویژگی‌هایی حضرت ابوالفضل(ع) را در میان شهدای کربلا برجسته کرد/ جایگاه حضرت عباس(ع) در زیارت معصومین(ع)

حضرت عباس(ع) از معدود غیرمعصومینی است که مورد مدح حضرات معصومین قرار گرفته‌اند و از امام صادق(ع) زیارتنامه‌ای برای ایشان روایت شده است و در زیارت ناحیه مقدسه نیز به صورت اختصاصی بیانات بلندی در مورد ایشان وجود دارد و این به سبب غرق بودن ایشان در معرفت به ولایت است.

حضرت عباس(ع) از معدود غیرمعصومینی است که مورد مدح حضرات معصومین قرار گرفته‌اند و از امام صادق(ع) زیارتنامه‌ای برای ایشان روایت شده است و در زیارت ناحیه مقدسه نیز به صورت اختصاصی بیانات بلندی در مورد ایشان وجود دارد و این به سبب غرق بودن ایشان در معرفت به ولایت است.

در روز چهارم شعبان سال 26 هجری خانه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) به قدم نوزادی منور شد که «عباس» نام گرفت؛ کودکی که به دلیل چهره زیبا و شخصیت برجسته ای که داشت به «قمر بنی هاشم» ملقب گردید. عباس بن علی بن ابی‌طالب(ع)، مکتی به «ابوالفضل» در سال 61 هجری در واقعه عاشورا به شهادت رسید. سن مبارکش را هنگام شهادت ۳۴ سال نوشته‌اند. از این مدت 14 سال با پدرش امیرالمؤمنین(ع) و 9 سال با برادرش امام مجتبی(ع) و 11 سال با امام حسین(ع) زیست.

مادرش فاطمه دختر حزام از نسل بنی کلاب، مکتی به «ام البنین» می‌باشد که پس از شهادت حضرت فاطمه(س) به پیشنهاد عقیل امیرالمؤمنین(ع) او را به همسری برگزید، چرا که آن حضرت از عقیل خواستار همسری از تبار دلاوران نام‌آور شد تا فرزندی دلیر و شجاع برای او آورد و عقیل ام البنین را به آن حضرت پیشنهاد نمود. ثمره این ازدواج چهار فرزند بنامهای عباس، عبدالله، جعفر و عثمان بود که همگی به سال 61 هجری در واقعه جانگداز عاشورا در رکاب اباعبدالله(ع) به شهادت رسیدند.

نامگذاری حضرت عباس(ع)

هنگامی که حضرت ابوالفضل(ع) به دنیا آمد، ام البنین قنداقه او را به دست امیرالمؤمنین(ع) داد تا بر وی نامی بگذارد. حضرت وی را در آغوش کشید و او را مورد تفقد و محبت فراوان قرار داد. سپس در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه گفت. آنگاه به ام البنین فرمود: «او را چه نام نهادی؟» ام البنین با کمال ادب عرض کرد: «من در هیچ امری بر شما سبقت نگرفته‌ام. هر نامی که می‌پسندید بر وی بگذارید». حضرت فرمود: «من او را به نام عمویم، عباس نامیدم».

واژه عباس، صیغه مبالغه از ماده «عبس» است که به معنی گرفتگی چهره می‌باشد. حضرت ابوالفضل(ع) از مصادیق بارز «أَشَدُّ عَلَى الْكَفَّار» می‌باشد. وی بر دشمنان حق عبوس و خشن و در جنگ با آنان غیور و دلاور بود. این نام از همان دوران، نشانگر شهامت و صلابت ابوالفضل(ع) بود. مرحوم علامه حائری در کتاب معالی السیطین می‌نویسد: «امیرمؤمنان(ع) او را از این رو عباس نامید که به شجاعت، شکوه، صولت و خشم او در پیکار با دشمنان آگاهی داشت. دشمنان در برابر او لرزه بر اندامشان می‌افتاد و صورت‌هایشان از ترس او رنگ درمی‌باخت. او قهرمانی بود که شجاعت را از پدرش به ارث برده بود و بینی گمراهان در برابر او به خاک مالیده می‌شد».

گریه امیرالمؤمنین(ع) در ولادت عباس(ع)

پس از اینکه حضرت علی(ع) فرزند خود را عباس نام نهاد، دستهای او را بوسید و اشک بر صورت نازنینش جاری شد. ام البنین حیرت زده پرسید: «چرا گریه می‌کنید؟ مگر دستان فرزندم عیبی دارد؟» حضرت فرمود: «گویی هم اینک می‌بینم که این دست‌ها روز عاشورا در کنار شریعه فرات و در راه یاری دین خدا قطع شده است».

شش مقام برای حضرت عباس(ع) در کلام امام هادی(ع)

حضرت عباس از معدود غیرمعصومین هستند که از معصوم برای ایشان زیارتنامه صادر شده است. از حضرت امام صادق(ع) زیارتنامه‌ای برای حضرت ابوالفضل(ع) روایت شده است، همچنین در زیارت ناحیه مقدسه در مورد حضرت عباس(ع) به صورت اختصاصی بیانات بلندی وجود دارد و حضرت ابوالفضل مورد مدح حضرات معصومین قرار گرفته‌اند و این به سبب غرق بودن حضرت عباس در معرفت به ولایت است. برخلاف آنچه که بعضاً در بین عوام و برخی ناآگاهان رایج است که حضرت عباس(ع) به خاطر جانفشانی برای برادر به این جایگاه دست یافت باید گفت که خیر؛ این فضیلتی برای حضرت عباس نیست چرا که بسیار افراد هستند که حاضرند جان خود را برای برادر فدا کنند و لحظه‌ای برادر خود را رها نکنند، لذا اگر حضرت عباس عظمتی پیدا کرد نه به سبب فداکاری در راه برادر بلکه به سبب شناخت و معرفت کامل و یقین نسبت به مقام ولایت در زمان خود و فداکاری در راه ولایت بود.

اوج شخصیت حضرت عباس(ع) به دلیل بصیرت نافذ ایشان است چرا که امام صادق(ع) وقتی که می‌خواهد از عموی خویش یاد کند، با اینکه حضرت عباس فضیلت‌های بسیاری دارد اما در مورد ایشان می‌فرماید: «كَانَ عَمَّتَا الْعَبَّاسَ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صَلَبَ الْأَيْمَانِ، جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا» عموی ما عباس دیده‌ای تیزبین و ایمانی استوار داشت. همراه حسین(علیه السلام) جهاد کرد و از امتحان سرافراز بیرون شد و سرانجام به شهادت رسید.

امام سجاد(ع) نیز عموی خود عباس را چنین توصیف می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَمِيَ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِتَقْسِهِ حَتَّى قَطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُمَا جِنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جُعِلَ لَجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَثَلَةً يَغِيظُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». خدای عمویم عباس را رحمت کند که ایثار کرد و خود را به سختی افکند و در راه برادرش جانبازی کرد، تا آنکه دست‌هایش از پیکر جدا گردید. آنگاه خداوند به جای آنها دو بال به وی عنایت فرمود که در بهشت همراه فرشتگان پرواز کند؛ همان‌سان که برای جعفر طیار قرار داد.

در بخشی از زیارت ناحیه مقدسه امام هادی(ع) از زبان آن حضرت چنین می‌خوانیم: «سلام بر ابوالفضل العباس، پسر امیرالمؤمنین؛ آنکه با کمال مواسات و ایثار و برادری، جانش را نثار برادرش حسین(علیه السلام) کرد؛ آنکه دنیا را وسیله آخرت قرار داد؛ آنکه خود را فداکارانه فدای برادر نمود؛ آنکه نگهبان دین و سپاه حسین(علیه السلام) بود؛ آنکه تلاش بسیار برای آبرسانی به لب تشنگان نمود؛ آنکه دو دستش در راه خدا قطع شد».

سلام امام زمان(عج) بر عباس(ع)

در زیارت نامه منسوب به حضرت ولی عصر(ارواحنا فداه) مشهور به زیارت ناحیه می‌خوانیم: «سلام بر عباس فرزند امیرمؤمنان(علیه السلام) که جانش را در راه مواسات با برادرش تقدیم نمود و دنیایش را در راه تحصیل آخرت صرف کرد و جانش را برای حفاظت از برادرش قربانی فرمود».

«مواسی» یکی از القاب دیگر حضرت ابوالفضل(ع) است. او از همه چیز دل بریده بود و تنها به حسین(ع) دل بسته بود و همه هستی خویش را نثار او نمود. همیاری، برادری و پیوند پرمحبت و تنگاتنگ او با امام حسین(ع) همچون همیاری و پیوند عاشق حقیقی به معشوق بود. حضرت عباس(ع) دارای دو فرزند بنام‌های فضل و عبیدالله از لبابه دختر عبیدالله ابن عباس بن عبدالمطلب بود و نسل آن بزرگوار از طریق عبیدالله امتداد یافت. قمر بنی هاشم، سقاء، علمدار، العبد الصالح، المواسی الصابر، المحتسب. از القاب آن حضرت به شمار می‌رود.

حضرت ابوالفضل(ع) توفیق آنرا پیدا کرد که از محضر 4 معصوم بهره‌مند شود. پدر عظیم‌الشان ایشان حضرت امیرالمؤمنین(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و همچنین امام سجاد(ع). حضرت عباس برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) همچون امیرالمؤمنین(ع) برای پیامبر(ص) بود. در نقل‌های معتبر تاریخی و حدیثی آمده است که حضرت علی(ع) نماد اقتدار اسلام در عصر پیامبر(ص) بود و در غزوات پیامبر(ص) همیشه پرچم اصلی سپاه اسلام را حمل و پیشاپیش سپاه اسلام حرکت می‌کرد. اینکه به حضرت عباس(ع) علمدار گفته می‌شود به این دلیل است حضرت عباس(ع) پرچم اصلی سپاه امام حسین(ع) را در دست داشت و در قلب سپاه قرار گرفته بود.

عظمت حضرت عباس(ع) از اینجا تا حدی شناخته می‌شود که ایشان شجاعت حضرت امیر(ع) را به ارث برده بود و آن حضرت در روز عاشورا به فرمان امام حسین(ع) دست به شمشیر نبرد؛ مگر جز یک مورد که زهیر و حر در محاصره قرار گرفته بودند و فرمان مطاع مقام ولایت را اجرا کرد. امام حسین(ع) از ایشان خواسته بودند که پرچم را در دست داشته باشد که اهل حرم وقتی نگاهشان به پرچم در دستان عباس(ع) می‌افتد قوت قلب پیدا کنند و بدانند این سپاه هنوز وجود دارد.

حضرت عباس(ع) بر میل طبیعی خود که جنگ با دشمنان ولایت است پای می‌گذارد و فرمان ولایت را اطاعت می‌کند و وارد عرصه جنگ نمی‌شود و شاهد شهادت عزیزان، برادران و اصحاب امام حسین(ع) می‌شود و زمانی هم که همه یاران امام به شهادت می‌رسیدند و تنها حضرت عباس باقی ماند به نزد امام حسین(ع) رفته تا اذن میدان بگیرد اما با این جمله امام مواجه می‌شود که "برای طفلان تشنه آب بیاور" و حضرت عباس(ع) در هنگام آوردن آب به خیمه گاه مورد هجوم سپاه عمر سعد قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد و اینجا است که امام حسین(ع) با شهادت ایشان احساس تنهایی می‌کند و می‌فرماید "الان انکسر ظهري و قلت حيلتي"...

شناخت مقام و جایگاه حضرت عباس(ع) در میان شهدای کربلا سخت و دشوار است، اما می‌توان به این جمله امام حسین(ع) "الان انکسر ظهري و قلت حيلتي"... توجه کرد که چگونه با شهادت 70 تن از یاران و فرزندان، چنین جمله ای را به زبان نیاوردند و تنها با شهادت حضرت عباس(ع) چنین جمله ای را گفتند، در حالی که حضرت عباس(ع) آخرین فرد از یاران بودند که با شهادت ایشان امام تنها و بی‌یاور شده بود و فریاد "هل من ناصر ینصرنی" سر دادند. دلسوخته ای می‌گوید: عباس، تنهای تنها ارتش حسین(ع) بود. آری حضرت عباس(ع)، زهرا سرشت و فاطمه تبار بود که با افتادنش از اسب، حضرت فاطمه زهرا(س) صدا زد، عباس پسر من. این در حالی است که امام علی(ع) در روایتی می‌فرمایند: فرزندان من کجا و فرزندان رسول خدا(ص) کجا؟!